**( 86 )**

**هو الابهی الابهی**

و انی اتقرب الیك یا الهی فی جنح هذه اللیلة الظلماء و اناجیك بلسان سری مهتزا بنفحاتك التی انتشرت من ملكوتك الابهی و اقول رب لا احصی ثناء علیك و لا اجد لطیور الافكار صعودا الی ملكوت قدسك تقدست بكینونتك عن كل ذكر و ثناء و تنزهت بهویتك عن محامد اهل الانشاء لم تزل كنت فی تقدیس ذاتك متعالیا عن ادراك العارفین من الملأ الاعلی و لا تزال تكون فی تنزیه حقیقتك ممتنعا عن عرفان الواصفین فی سكان جبروت العلی الهی الهی مع هذا الامتناع كیف اذكرك بذكر او اصفك بوصف تعالیت یا الهی و تقدست عن كل النعوت و الاوصاف یا محبوبی الهی الهی ارحم عجزی و انكساری و فقری و ذلی و مسكنتی و انلنی كاس عفوك و موهبتك و حركنی بنفحات محبتك و اشرح صدری بنور معرفتك و طیب نفسی باسرار توحیدك و احینی بنسائم ریاض رحمانیتك حتی انقطع عن دونك و اتوسل بذیل رداء كبریائك و انسی ما سواك و استئنس بنفحات ایامك و اتوفق علی الوفاء فی عتبة قدسك و علی القیام بخدمة امرك و علی الخضوع و الخشوع عند احبائك و الانعدام و الفناء فی محضر اصفیائك انك انت المؤید الموفق العلی الكریم الهی الهی اسئلك باشراق انوار طلعتك التی اشرقت بها الافاق و بلحظات عین رحمانیتك التی شملت كل الاشیاء و بتموجات بحر عنایتك التی فاضت علی الاطراف و بامطار سحاب موهبتك التی هطلت علی حقائق الممكنات و بانوار رحمتك التی سبقت الموجودات بان تؤید الاصفیاء علی الوفاء و توفق الاحباء علی خدمة عتبتك العلیا و تنصرهم بجنود قدرتك التی احاطت الاشیاء كلها و تنجدهم بجیش عرمرم من الملأ الاعلی ای رب انهم ضعفاء ببابك و فقراء فی فنائك و مضطرون الی فضلك و محتاجون الی تاییدك و متوجهون الی ملكوت توحیدك و مشتاقون بفیوضات موهبتك ای رب صف ضمائرهم بانوار تقدیسك و طیب سرائرهم بموهبة تاییدك و اشرح قلوبهم بنفحات السرور و الحبور المنتشرة من ملئك الاعلی و نور بصائرهم بمشاهدة ایاتك الكبری و اجعلهم ایات التقدیس و رایات التنزیه تخفق فی قطب الامكان علی عموم الوری و اثر كلامهم فی القلوب التی كانت كالصخرة الصماء حتی یقوموا علی عبودیتك و ینقطعوا الی ملكوت ربوبیتك و یتوجهوا الی جبروت قیومیتك و ینشروا اثارك و یتنوروا بانوارك و یبینوا اسرارك و یهدوا عبادك الی الماء المعین و عین التسنیم التی نبعت و فارت فی بحبوحة فردوس احدیتك و ینشروا شراع الانقطاع علی سفینة النجاة و یسیروا فی بحار معرفتك و یبسطوا اجنحة التوحید و یطیروا بها الی ملكوت وحدانیتك و یصبحوا عبادا ینطقون بالنعوت من الملأ الاعلی و یثنی علیهم اهل ملكوتك الابهی و یسمعوا نداء هواتف الغیب بالبشارة الكبری و یناجوك فی الاسحار بابدع الاذكار شوقا الی لقائك یا ربی المختار و یبكوا بالعشی و الاشراق توقا الی الورود فی ظل رحمانیتك العظمی ای رب ایدهم فی جمیع الشؤون و انصرهم فی كل الاحوال بملائكة قدسك التی هم جنود لا یرونها و كتائب غالبة علی جیوش الملأ الادنی انك انت المقتدر العزیز القوی المحیط و انك لعلی كلشیء قدیر

پاك یزدانا خداوند مهربانا اوارگان كوی توئیم و مشتاقان روی تو و عاشقان خوی تو بیچاره‌ایم افتاده‌ایم ذلیلیم حقیریم ضعیفیم رحمتی فرما و موهبتی عنایت كن از قصور در گذر و خطایای بی پایان بپوش هر چه هستیم از توئیم و انچه گوئیم و شنویم وصف تو گوئیم و روی تو جوئیم و در راه تو پوئیم تو خداوند مهربانی و ما گنهكار بیسر و سامان پس ای ابر رحمت رشحاتی ای گلشن عنایت نفحاتی ای بحر موهبت موجی و ای افتاب عنایت پرتوی رحم فرما عنایت كن قسم بجمالت كه جز خطا متاعی نه و بغیر از امال اعمالی نه مگر پرده ستاریت بپوشاند و حفظ و حمایتت شامل حال گردد و الا این ضعفا را چه توانائی كه بخدمتت پردازند و این فقرا را چه غنائی كه بساط عزت بگسترانند توئی مقتدر و توانا تاییدكن توفیق بخش این نفوس پژمرده را برشحات ابر موهبت طراوتی عنایت كن و این حقائق مبتذله را باشراقات شمس احدیت روشنائی بخش این ماهیان تشنه لب را بدریای رحمتت افكن و این قافله گمگشته را بپناه احدیتت دلالت كن گمگشتگانرا بعین هدایت دلالت كن و اوارگانرا در پناه عزتت ماوی بخش تشنگان را از سلبیل موهبت بنوشان و مردگان را بحیات ابدیه زنده كن كوران را بینا فرما و كران را شنوا كن و گنگان را گویا نما و افسردگانرا برافروز غافلان را هشیار كن و خفتگانرا بیدار نما و مغروران را متنبه در هر كار توئی مقتدر توئی بخشنده توئی مهربان انك انت الكریم المتعال ای یاران الهی و یاوران این عبد فانی شمس حقیقت چون از مطلع امال فیض نامتناهی مبذول داشت و افق وجود بپرتو تقدیس منور گشت چنان جلوه فرمود كه ظلمات دهماء مضمحل و معدوم گردید لهذا خطه خاك غبطه افلاك شد و عرصه ادنی جلوه گاه ملكوت اعلی گشت نفحات قدس وزید و روائح طیبه منتشر شد نسائم ربیع الهی بمرور امد و اریاح لواقح فیوضات نامتناهی از مهب عنایت بوزید صبح نورانی دمید و بشارت موهبت كبری رسید نوبهار الهی در عالم امكانی خیمه و خرگاه زد ارض وجود بحركت امد و خطه شهود مهتز گشت خاك افسرده ریاض باقیه شد و ارض میته حیات ابدیه یافت گل و ریاحین عرفان روئید و سبزه نوخیز معرفة الله دمید عالم امكان مظهر فیوضات رحمان شد و حضرت شهود جلوه گاه غیب مكنون گردید ندای الهی بلند شد و بزم الست اراسته گشت كاس میثاق بدور امد و صلای عمومی بلند شد قومی سرمست ان صهبای الهی شدند و گروهی محروم از ان موهبت عظمی نفوسی از پرتو عنایت بصر و بصیرت روشن نمودند و طائفه‌ئی از نغمات احدیت بوجد و طرب امدند مرغانی در گلشن تقدیس اغاز نغمه و ترانه نمودند و بلبلانی بر شاخسار گل رحمانی فریاد و فغان كردند ملك و ملكوت تزیین یافت و رشك بهشت برین گردید ولی هزار افسوس كه غافلان هنوز در خواب غفلت گرفتار و بیخردان از این موهبت مقدسه بیزار كوران محجوبند و كران محروم و مردگان مایوس چنانچه میفرماید اولئك یئسوا من الاخرة كما یئس الكفار من اصحاب القبور شما ای یاران رحمانی بشكرانه رب ودود زبان گشائید و بحمد و ستایش جمال معبود بپردازید كه از این كاس طهور سرمستید و از این جام صهباء پرنشئه و انجذاب از نفحات قدس مشام معطر نمودید و از رائحه قمیص یوسف وفا دماغ معنبر كردید شهد وفا را از دست دلبر یكتا چشیدید و مائده ابدیه را در خوان نعمت حضرت احدیت تناول نمودید این موهبت از خصائص حضرت رحمانیت است و این فضل و جود از نوادر عطایای رب ودود در انجیل میفرماید المدعوون كثیرون و المختارون قلیلون یعنی امت دعوت بسیارند ولی نفوسیكه بفضل و موهبت هدایت مخصص میگردند كمیاب ذلك من فضل الله یعطیه من یشاء و الله ذو فضل عظیم ای یاران الهی شمع میثاق را اریاح نفاق از اهل افاق احاطه نموده و بلبل وفا را زاغان جفا اهل فتور هجوم نموده حمامه ذكر را جغدان بیفكر در صددند و غزال صحرای محبة الله را درندگان در پی روان لهذا خطر عظیم است و عذاب الیم احبای الهی باید چون جبل متین باشند و چون بنیان رزین رصین از شدائد بلایا مضطرب نگردند و از عظائم رزایا محزون نشوند توسل بذیل كبریاء جویند و توكل بجمال اعلی نمایند تكیه بر عون و عنایت ملكوت قدیم كنند و اعتماد بر صون و حمایت رب كریم در هر دمی از شبنم عنایت پر طراوت و لطافت گردند و در هر نفسی از نفثات روح القدس زنده و تازه و خرم شوند و بر خدمت حضرت ربوبیت قیام كنند و در نشر نفحات الله منتهای همت را مبذول دارند امر مبارك را حصن حصین باشند و جنود جمال قدم را قلعه رزین و رصین بنیان امر الله را از هر جهت حافظ امین گردند و افق مبین را نجم منیر شوند زیرا ظلمات دهماء امم از هر جهت در هجوم است و طوائف عالم در فكر محویت نور معلوم باوجود هجوم جمیع قبائل چگونه میتوان دمی غافل بود البته هوشیار باشید و بیدار و در حفظ و حمایت امر پروردگار الیوم الزم امور تعدیل اخلاق است و تصحیح اطوار و اصلاح رفتار باید احبای رحمن بخلق و خوئی در بین خلق مبعوث گردند كه رائحه مشكبار گلشن تقدیس افاق را معطر نماید و نفوس مرده را زنده كند زیرا مقصود از جلوه الهی و طلوع انوار غیب غیر متناهی تربیت نفوس است و تهذیب اخلاق من فی الوجود تا نفوس مباركی از عالم ظلمانی حیوانی نجات یافته بصفاتی مبعوث گردند كه تزیین حقیقت انسانی است ناسوتیان لاهوتیان شوند و ظلمانیان نورانیان گردند محرومان صرف محرم راز ملكوت شوند و معدومان محض مانوسان جلوه لاهوت شوند بی نصیبان از بحر بی پایان نصیب برند و نادانان از معین حیوان دانائی سیراب شوند درندگان ترك درندگی كنند و تیزچنگان در نهایت بردباری باشند اهل جنگ صلح حقیقی جویند و درندگان تیز چنگ از سلم حقیقی بهره برند ناپاكان از عالم پاكی خبر گیرند و الودگان از جوی تقدیس نصیب برند اگر این فیوضات الهیه در حقائق انسانیه جلوه ننماید فیض ظهور بی ثمر ماند و جلوه شمس حقیقت بی اثر گردد پس ای یاران الهی بجان و دل بكوشید تا از خلق و خوی مبارك نصیب و بهره گیرید و از فیوضات تقدیسش قسمتی برید تا ایات توحید شوید و رایات تجرید گردید و حقیقت تفرید را جوئید و در این گلشن الهی بنغمات رحمانی اغاز نغمه و ترانه نمائید طیور شكور گردید و در گلزار وجود اوازی بنوازید كه محیر عقول و شعور گردد در قطب امكان علمی افرازید كه پرچم موهبت باریاح عنایت موج زند و نهالی در مزرعه وجود و باغ شهود غرس نمائید كه ثمرش در نهایت طراوت و حلاوت باشد قسم بمربی حقیقی كه اگر بنصائح الهی كه در الواح نورانی نازل عامل گردید این خاك سیاه ائینه ملكوت اعلی شود و این حیز ادنی كاشف ملكوت ابهی گردد ای یاران الهی الحمد لله فیوضات غیبی شمس حقیقت از جمیع جهات محیط است و ابواب رحمت از جمیع اشطار مفتوح وقت استفاضه است و هنگام استفاده وقت را غنیمت شمرید و فرصت را از دست مدهید از شئون این عالم ظلمانی بكلی بیزار گردید و بشئون و اثار حقایق ملكوتیه واضح و اشكار شوید تا ملاحظه فرمائید كه پرتو خورشید یزدان در چه درجه روشن و درخشنده است و اثار عنایت از غیب احدیت چگونه باهر و ظاهر و لائح است ای یاران الهی الحمد لله اعلیحضرت شهریاری در نهایت مهربانی و حضرت صدارت پناهی در منتهی درجه عدالت و رعیت پروری باید دوستان شبانه روز بدعای ابدیت این دولت قوی الشوكة پردازند و بشكرانه داد‌خواهی و فریاد‌رسی و مهربانی اعلیحضرت تاجداری قیام كنند زیرا این از احكام مبرمه الهیه است كه در جمیع كتب سماویه نازل و علیكم التحیة والثناء (ع ع)

منتسبین و مهاجرین و مجاورین الحمد لله در نهایت عبودیت و فارغ از غیر حق و خادم امر (ع ع)